

# لا يحه

از بيانات

حضرت ملجأ الامجاد و ملاذ الاوتاد العالم الصمداني و العارف السبحاني  
المؤيد بالتأيدات الربانية و ميين الاسرار الالهية قطب العارفين و صالح  
المؤمنين آية الله العظمى في الارضين المولي المؤمن

مولانا الحاج شيخ محمد حسن صالحعليشاه قدس الله سره العزيز

## لایحه

لایحه‌ای است که حضرت قطب‌العارفین و کشف‌الواصلین آقای حاج شیخ محمدحسن صالح علیشاه قدس سره‌العزیز در شب ۱۵ رمضان ۱۳۳۲ قمری به مناسبت ولادت باسعادت حضرت امام مجتبیٰ صلوات‌الله علیه و نصب ولایت حضرت مولانا آقای حاج ملاعلی نورعلیشاه ثانی طاب ثراه ایراد فرموده‌اند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ستایش ایزدی را سزد که از آرایش نقایص و کثرت مبرّا است، و معبودی را زبید که در کمال بی‌نیازی از همه، همه به او و از او پیدا است، حسن جمال ذاتش اقتضاء نمایش نمود و از پرده غیبت ظهور فرمود:

جنبشی کرد بحر قلزم عشق صد هزاران حباب پیدا شد

لباس اسماء در پوشید و کارخانه صنّش موجودیت را آفرید و بنی نوع آدم را از آن جمله برگزید و مشرف به تشریف وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي<sup>۱</sup> گردانیده، قوه طیاره ملکوتیه یعنی، لطیفه سیاره انسانیه و استعداد عروج مقامات عالیه را بر تمام موجودات عرضه داشت، قوه تحمّل این بار در خود ندیدند و تمام، قدم پس کشیدند، انسان که ظلوم و جهول بود چون عاشق بی‌باک بود متحمّل این بار امانت گردید و چون در راه مقصد، راه‌زنان و سارقین که عبارت است از جنود جهل و

۱. و از روح خود در او دمیدیم (سوره حجر، آیه ۲۹؛ سوره ص، آیه ۷۲).

شیاطین، دید به لسان استعداد از واهب الاستعداد درخواست که برای حفظ گنجینه‌ای که عطا فرموده حافظ و حراس بگمارد تا از شرّ اعداء محفوظ بماند. درخواست او به اجابت مقرون گردید، بخشنده مهربان به حکم "وَأْتِيكُمْ مِنْ كُلِّ مَأْسَأَلْتُمْوه" <sup>۱</sup> قوای عقلانی و جنود ملکوتی به او بخشید تا به دستیاری آنها از راه راست برود و گنج را تا به مقصد برساند و به صاحب تسلیم نماید، چون به اغوای شیطان ترک امر نمود ندای اِهْبَطُوا شنید و از مقام تجرّد و عالم ملکوت دور و در تنگنای مَحَبَسِ عالم طبیعت و ناسوت منزل گزید، تمام عهود و موثیق که بر آن منظور بود عملاً فراموش نمود و از راه مقصد و امانت به کلی غفلت فرمود. لطف ایزدی تقاضا نمود که آنها را از خواب غفلت بیدار و از سکر نسیانِ عالم ناسوت هشیار سازد و از سجن عالم طبیعت به اعلیٰ مراتب مقصد برساند؛ لاجرم مظاهر ذات و مجالی اسماء و صفات که وجودات مقدّسه مبارکه انبیاء و اولیاء، علیهم السلام، است، به عالم فرستاد و لباس بشریت پوشانید، و لَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكَاً لَفَضِيَ الْأَمْرُ <sup>۲</sup>، تا به لباس آنها درآیند و عهود و موثیق عالم ازل را به بیعت بر دست آنها تجدید نمایند و جنود عقل را به حراست امانت وا داشته خود به همراه همت آنها رو به راه گذارند. آنها هم به زبان قوم مشغول به مأموریت خود شده و ندای اَعْبُدُوا اللَّهَ وَآتَوْهُ وَأَطِيعُوا <sup>۳</sup> در عالم در انداختند. مدعوین اِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُّقْتَدُونَ <sup>۴</sup> جواب دادند و ندانستند که مادام که افراد خلق مکلفند، هادی لازم دارند که آنها را به راه راست هدایت نماید. چون تا شیطان و جنود و مظاهر او در صدد اغواء انسان و راهزنند، منذر خواهند که آنها را از مواقع خطرات راه باخبر سازد، پس باید در هر زمان، داعی الهی ظاهر و معروف در میان انام و حجت

۱. و هرچه از او خواستید به شما داد (سوره ابراهیم، آیه ۳۴).

۲. و اگر فرشته‌ای بفرستیم، کار تمام شود (سوره انعام، آیه ۸).

۳. خداوند را بپرستید و پرهیزکار باشید و از من اطاعت کنید (سوره نوح، آیه ۳).

۴. ما پدران خود را بر آیین و عقایدی یافتیم و از آنها البته پیروی خواهیم کرد (سوره زخرف، آیه ۲۳).

خدایی بر مردم تمام باشد بلکه چون واسطه فیض حضرت متان و جان عالم امکان است بدون او وجود نگیرند، و اگر از دنیا به جز دو نفر نماند یکی حجت بر دیگری خواهد بود و *الَّا لِحَسَفَ الارضُ بِأهلِها*<sup>۱</sup>. و چون جسم و جسمانیات که مرکب از اضدادند در معرض فنا و زوال است و تن بشری و بدن عنصری *إلَّا ما شَدَّ وَنَدَّرَ*، باید از این دار فانی رخت به عالم جاویدانی کشد و جبل متین خدایی هم باید که منقطع نشود و هرکس که از جانب خود ادعا نماید یا استراق سمع نموده کلمات آنها را بر زبان آرد و خود را بزرگ وقت پندارد، یا به بعضی وسایل خود را ریس و مطاع صوری نماید این چنین امر بزرگی را نشاید، کوری که خود جایی را ندیده چگونه راهبر دیگران شود و اعدام را لوفرض که جمع نمایند جز عدم حاصل نشود تا چه رسد که موجد باشد:

ذات نایافته از هستی بخش      کی تواند که شود هستی بخش

پس خود مردم هم برای خود نتوانند راهبر معین نمایند و نه هر مدعی را پیروی توانند کنند پس باید اکمل وقت و مربی خلق که مسلم مسؤل و من عندالله محیط بر تمام است، مستعدی را تربیت فرماید و کمالات مکتونه او را بروز دهد و از قوه به تمام فعلیت رساند و لباس اخرای باطن خود گرداند و برای زمان بعد از خود او را معین فرماید و همت همراه نماید تا حجت بر خلق تمام باشد و راه شک و ریب بر احدی نماند:

پس به هر دوری ولیی قائم است      آزمایش تا قیامت دائم است<sup>۲</sup>  
و این رشته هدایت و جبل ولایت از زمان آدم الی خاتم و الی انقراض العالم به موجب اخبار صحیحه معتبره و شهادت عقول سلیمه بوده و خواهد بود و هر سابقی لاحقی را برای خود به موجب *وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ*<sup>۳</sup> معین می فرمود تا

۱. همانا زمین با ساکنین آن فرو می رفتند (بخشی از حدیث).

۲. مثنوی معنوی، دفتر دوم، بیت ۸۱۵ (با کمی اختلاف).

۳. و برای ایشان سخن در سخن پیوستیم (سوره قصص، آیه ۵۱).

منتهی شد به هادی سُبُل و نتیجه انبیاء و رُسل و اشرف و افضل اهل قُل، خاتم الکُلّ فی الکُلّ اعنی المحمود الاحمد ابی القاسم محمد صلی الله علیه و آله فی الازل و الابد که مجلای اتم و آیینۀ سراپا نمای قدم و دارای لوازم عالم ناسوت و محیط عوالم ملکوت و سیار مراتب جبروت بود ظهور فرمود و تجدید مطلع نمود، آنچه باید و شاید در اعلاء کلمۀ حقّه اسلامیه کوشش نمود و مردمان را به راه راست هدایت، دلالت فرمود و بعد از عبادت حضرت غیب الغیوب و تصفیۀ نفس از نقایص و عیوب به تهذیب اخلاق و مساوات و مواسات، امر می فرمود و از بی ادبان سباع فطرت و ستور خصلت اذیتها و لگدها دید، پدر مشفق و مهربان را دزد خارجی انگاشتند و طبیب حاذق را اطاعت نکرده بلکه دشمن می پنداشتند و رایت عداوت آن حضرت را برافراشتند و بنای اذیت فعلی و قولی آنچه توانستند نسبت به آن بزرگوار گذاشتند و هر قدر اذیت و زحمت از آنها دید، بر خود گوارا کرده، دست از هدایت آنها نکشید. و چون رحلت حضرت نزدیک گردید از جانب حق ندا رسید که اصل دین و کمال ایمان که نصب کردن خلیفه است، باقی است، برای خود علی، علیه السلام، را به خلافت نصب نما و تمام مسلمین را اعلام فرما. این بود که در مراجعت از حجّة الوداع که اغلب مسلمین حاضر بودند آن حضرت این مطلب را تأخیر روانداشتند و در میان بیابان در غدیر خم از جهاز شتر منبری ساختند و در حضور تمام، حضرت خاتم الاولیاء و اشرف الاولیاء سرچشمۀ بحار انوار و مظهر انوار حضرت کردگار مولی الکُلّ فی الکُلّ علی بن ابی طالب امیر المؤمنین و مولی الموحدین و امام المتّقین، صلوة الله و سلامه علیه الی یوم الدّین، که پسر عمّ و صهر آن حضرت بود، نصب نمود و الی وارث موروث فرمود و فرمود: حاضران به غایبان برسانند که مَنْ کُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِیُّ مَوْلَاهُ، اَللّٰهُمَّ وَاَلِ مَنْ وَاوَاةٌ وَاَعَادٌ مِّنْ عَادَاهُ وَاَنْصُرْ مَن نَّصَرَهُ وَاَخْذُلْ مَن خَذَلَهُ!

۱. هر کسی که من مولای او هستم، پس علی مولای اوست. خداوندا، هر کسی که او را دوست داشت، دوست بدار و هر که او را دشمن داشت، دشمن بدار و هر که او را یاری کرد، یاری کن و هر که دست از یاری او برداشت، تو نیز دست از یاری او بردار (حدیث نبوی).

زین سبب پیغمبر با اجتهاد  
 نام خود وانِ علی مولیٰ نهاد  
 گفت هرکس را منم مولا و دوست  
 ابنِ عمّ من علی مولای اوست  
 کیست مولا آن‌که آزادت کند  
 بسند رقیّت زپایت برکند  
 چون به آزادی نبوّت هادی است  
 مؤمنان را زانیا آزادی است<sup>۱</sup>

امر او را امر خود و نهی او را نهی خود و اطاعت او را اطاعت خود فرمود که این امر شخصی نیست بلکه هر زمانی هادی خواهد و برای هر بزرگی وصی‌ای باید و بعد از او اوصیاء، ائمه مسلمین و مطاع مؤمنینند. و در آن روز بود که حضرت حقّ فرمود که امروز بر شما نعمت را تمام کردم و خوشیها را بر شما حلال نمودم و دین اسلام را برای شما پسندیدم، و کفار که امر دین را شخصی فرض نموده، به رحلت حضرت منقرض می‌پنداشتند، مایوس شدند و این امر وصایت و اتصال رشته هدایت بعد از آن حضرت در میان ائمه اثنی عشر اصالةً و مشایخ آن بزرگواران نیابةً مجمل بوده و تا ابدالآباد خواهد بود، چون خداوند این مطلب را نعمت بزرگ فرموده مؤمنین را شاید و زبید که در عید غدیر و سایر ایام نعمت به شکرانه موهبت جشن گیرند و عید شمارند و خوان و مائده بزرگ خدایی دانند و آنچه ازدست برآید از بذل مال و جدّ کوثاهی نمایند تا وقر ایمان و مؤمنین در نظر دشمنان دین زیاد و بازار نفاق منافقین و انکار منکرین کساد گردد.

و الیوم که پانزدهم شهر رحمت و برکت و رضوان اعنی ماه مبارک رمضان است که مطابق است با ولادت سراسر سعادت حضرت ولایت مرتبت نور دیده حضرت رسول، صلی الله علیه و آله و سلّم، و سرور قلب مرتضیٰ و بتول، امام دوّم و حجت سوّم، مظلوم مسموم هادی اعنی حسن بن علی، علیه السلام، و مطابق است با یومی که حضرت مرحوم مبرور، قطب مدار ایمان و محور فلک ایقان المستغرق فی بحار انوار الله، الشّهِید فی سبیل الله، مولانا الحاج ملاسلطان محمد سلطان علیشاه،

طاب ثراه، به موجب امر غیبی و اشاره لاریبی، ولد صلیبی و روحانی خود حضرت کشف المسلمین و غوث الفقراء و السالکین، قطب الاقطاب و لب الالباب مولی الموالی مولانا الحاج ملاعلی الهادی الی سبیل الله و الملقب بنورعلیشاه ادام الله بقائه را نصب فرموده و اجازه هدایت به شاهره طریقت داده و امور فقرا را تفویض به آن جناب نموده؛ جا دارد که تمام فقراء نعمه اللّهی به این نعمت کبری و موهبت عظمی جشن گرفته عید مذهبی دانند:

ای گروه مؤمنان شادی کنید همچو سرو و سوسن آزادی کنید  
لیک برگوید هر دم شکر آب بی زبان چون گلستان خوش خطاب<sup>۱</sup>  
و به شکرانه با قلوب صافیه مجمع نمایند و احیاء امر بزرگان دین کنند و آیینۀ قلوب را از زنگ کدورت با یکدیگر بزدایند، با تمام صفا با یکدیگر صفا نمایند و به زبان حال و قال الحمد لله الذی جَعَلْنَا مِنَ الْمُتَمَسِّکِینَ بُولَایَةَ عَلِیِّ بْنِ ابِی طَالِبٍ، علیه السلام، بر زبان رانند و حاضرین غائبین را یاد نموده حاضر دانند و تمام از دل و جان آن حضرت را شفیع ساخته از درگاه واهب مَنان خواستار باشند که ظلّ ظلیل آن حضرت را مستدام بدارد و ظهور مولای ما را نزدیک گرداند و ما را معرفت به نورانیت روزی فرماید و عیوب ظاهر و باطن را اصلاح فرماید و ما را بر عیوب خود بیناگرداند و دشمنان ما را هدایت و دوستان را خوش و خرّم بدارد و صفای صوری و معنوی و جمعیت ظاهر و باطنی عنایت فرماید.

---

۱. همان، دفتر ششم، ابیات ۶-۴۵۵۵ (با کمی اختلاف).